



### یادداشت سردبیر

«همه جا مستقیم می‌روی تا بررسی به چهارراه سوم که آن وقت باید بیچی سمت راست، آن جا بررسی جنت آباد همه نشانت می‌دهند.» وقتی که یک نشانی دقیق را از یک آدم مطمئن راه بلد توی دست داشته باشی، هم خیالت راحت است و هم دلت قرص، حالا توی آن شهر، غریب باشی، زبانشان را ندانی و حتی مجبور باشی راه را پیاده گز کنی، چندان توفیری ندارد. دیر یا زود می‌رسی به مقصد؛ به شرطی که لااقل، مستقیم و چهارراه و سوم و سمت راست را خودت بلد باشی. نشانی را گم نکنی و وسط راه، هوس نکنی برای همیشه توی فلان مسافر خانه بین راهی بمانی. قصه دنیای ما و آدم‌هایش، آن‌هایی که زود راهشان را می‌یابند و آن‌هایی که راه را گم می‌کنند، شبیه همین مقدمه‌ای است که گفتیم. خدا که مهربانترین است، آغوش محبتش را گشوده تا ما را ببرد به رضوان رضایتش؛ جایی که به همه ما خوش بگذرد. بهشتش را هم ساخته، وصفش را هم گفته تا دل ما را هوایی کند. یک کتاب هم داده به ما که دقیق و درست همه نشانی‌ها را دارد، جالب این که از روی محبت بی‌حسابش، هول گم‌شدن و ترس دوزخ را هم توی جانمان انداخته و گفته مراقب کسانی باشید که نمی‌خواهند شما به میهمانی برسید. با همه این احوال، باز از سر محکم کاری، راهنماهای دانا و دلسوز هم فرستاده که دستمان را بگیرند. حالا وسط این همه نشانی‌های درست و این پیامبران کاربلد، اگر باز هم به بی‌راهه برویم، تقصیر خودمان است و این که جایی را اشتباه رفته‌ایم یا اشتباه فهمیده‌ایم.

دیدار آشنا در دور جدید فعالیتش یک دغدغه مبارک و جدی دارد؛ می‌خواهد برای شما که در آغاز راه هستید، این نشانه‌ها، این راهنماها و حتی آن کسانی که نمی‌خواهند شما به مقصد برسید را بهتر معرفی کند. این که تا چه حد موفق باشد به توفیق و تلاشش ربط دارد و البته به همراهی و دعای شما.

یالحق

